

گزارش کارگروه‌های تخصصی همایش علوم انسانی و اسلامی دیجیتال



اشاره

بخش دوم برنامه‌های اولین همایش ملی علوم اسلامی و انسانی دیجیتال، برگزاری سه کارگروه تخصصی بود که به بحث و بررسی پیرامون موضوعات تخصصی مورد نظر در موضوع همایش پرداختند. این سه کارگروه، عبارت‌اند از:

- کارگروه تخصصی مبانی علوم اسلامی و انسانی دیجیتال؛
- کارگروه تخصصی علوم اسلامی و انسانی دیجیتال و رشته‌های علمی؛
- کارگروه تخصصی هوش مصنوعی و علوم اسلامی و انسانی دیجیتال.

در این نوشتار، گزارشی از مباحث مطرح‌شده در این کارگروه‌ها از نظر شما می‌گذرد.

کارگروه تخصصی مبانی علوم اسلامی و انسانی دیجیتال

اعضاء این کارگروه را حجج اسلام آقایان: دکتر علیرضا قائمی‌نیا، دکتر مسعود اسماعیلی و دکتر قاسم ترخان تشکیل می‌دادند. در این کارگروه، گزارش محتوای تعدادی از مقالات برگزیده همایش، توسط نویسندگان آنها ارائه شد و در برخی موارد نیز مورد نقد و بررسی حضار، قرار گرفت.

ارائه اول:

مقاله «انسان سیاسی دیجیتال و اجتناب‌ناپذیری حکمرانی دیجیتال»، نوشته: مرتضی شیرودی.

در این مقاله، نویسنده به تحلیل تحولات حکمرانی در عصر

دیجیتال پرداخته است و با اشاره به تضاد موجود در عصر حاضر، از یک سو، توانمندسازی شهروندان از طریق شبکه‌های اجتماعی (مانند جنبش‌های بهار عربی و #MeToo) و از سوی دیگر، تمرکز قدرت در پلتفرم‌های فناوری، بر دو بحران اساسی تأکید کرده است؛ ابتدا بحران کارآمدی (مطالبه شهروندان برای خدمات سریع و شفاف) و بعد بحران مشروعیت (ضرورت تبدیل دولت به «گره هوشمند» در شبکه اجتماعی).

نویسنده با طرح مفهوم «جبر فناوریانه نرم» بیان می‌کند که فناوری، نه به صورت جبری، بلکه با تغییر «شرایط امکان»، مسیرهای حکمرانی را دگرگون می‌سازد. سه محور اصلی تحلیل مقاله، عبارت‌اند از:

۱. کنشگری دیجیتال (همراه با خطر مشارکت سطحی)؛
 ۲. حباب‌های فیلتر (که به قطبی‌شدن سیاسی می‌انجامد)؛
 ۳. سرمایه‌داری نظارتی (تبدیل داده‌های کاربران به کالا).
- راه‌حل، در گذار از دولت الکترونیک به حکمرانی دیجیتال است؛ مدلی که دولت را به پلتفرمی داده‌محور و شهروندمحور تبدیل می‌کند.

ارائه دوم:

مقاله «تحلیل کتاب‌سنجی پژوهش‌های علوم انسانی دیجیتال در کتابخانه‌ها»، نوشته: الهه ابراهیمی.

این پژوهش، به بررسی تعامل دوسویه بین تحولات علوم انسانی دیجیتال و خدمات کتابخانه‌ای پرداخته است. با استفاده از روش

مهم‌ترین نگرانی، حفظ اصالت و اعتبار متون دینی در فرآیند دیجیتالی‌شدن است؛ چرا که خطاهای فنی ممکن است به تحریف مفاهیم بینجامد. همچنین، خطر تقلیل مفاهیم عمیق دینی به داده‌های کمی و آماری وجود دارد.

ارائه‌کننده با اشاره به نمونه‌های موفق داخلی مانند: نرم‌افزارهای نور و پروژه‌های بین‌المللی مانند قرآن‌نت مالزی، بر ضرورت همکاری متخصصان دینی و فناوری برای ایجاد راهکارهای بومی تأکید می‌کند



- کتاب‌سنجی و تحلیل ۱۶ سال داده‌های (Scopus 2007-2023)، یافته‌های کلیدی زیر به دست آمده است:
- روند انتشارات: نوسانات کمی مقالات دقیقاً با تحولات مهمی مانند ظهور ژورنال‌های تخصصی و کنفرانس‌های بین‌المللی همخوانی دارد.
 - در سه حوزه مهندسی کامپیوتر، کتابداری و علم اطلاعات و مطالعات میان‌رشته‌ای، بیشترین مقالات منتشر شده است. البته کشورهای آمریکا، چین و انگلیس با اختلاف زیاد، بیشترین تعداد انتشار را داشته‌اند و کلیدواژه کتابخانه‌های دیجیتال، بالاترین فراوانی را دارد.
 - پیشنهاد کاربردی این مقاله، آن است که کتابخانه‌ها می‌توانند با ایفای سه نقش تأمین زیرساخت داده‌ها، مشارکت در پروژه‌های پژوهشی و آموزش سواد دیجیتال به محققان، جایگاه خود را در اکوسیستم علوم انسانی دیجیتال تثبیت کنند.
 - این تحلیل تاریخی، نشان می‌دهد کتابخانه‌ها، نه تنها مصرف‌کننده، بلکه بازیگران فعال در تحول علوم انسانی دیجیتال هستند. برنامه‌ریزی آینده باید بر اساس این الگوهای شناسایی شده انجام گیرد.
- ارائه سوم:**
- مقاله «ظرفیت‌های علوم انسانی دیجیتال در توسعه و تعمیق علوم اسلامی»، نوشته: عذرا طباطبایی حکیم.
- در این مقاله، نویسنده به بررسی تأثیر علوم انسانی دیجیتال بر مطالعات اسلامی پرداخته است و بیان می‌کند که دیجیتالی‌شدن
۱. علوم اسلامی، صرفاً به معنای اسکن منابع نیست؛ بلکه تحولی روش‌شناختی در پژوهش‌های دینی محسوب می‌شود. در این راستا، شش حوزه کلیدی شناسایی شده است:
 ۲. تحلیل خودکار متون دینی با استفاده از تکنیک‌های داده‌کاوی؛
 ۳. طراحی پایگاه‌های دانش و گراف‌های معنایی اسلامی؛
 ۴. بهره‌گیری از هوش مصنوعی در استنباط فقهی؛ مانند سیستم المفتی الذکی امارات؛
 ۵. طراحی سیستم‌های پیشرفته بازیابی اطلاعات؛
 ۶. کاربرد یادگیری ماشینی در طبقه‌بندی متون دینی؛
 ۷. ایجاد پلتفرم‌های آموزشی دیجیتال.
 - در ادامه این پژوهش، چالش‌های اساسی این تحول مورد بررسی قرار گرفته است. مهم‌ترین نگرانی، حفظ اصالت و اعتبار متون دینی در فرآیند دیجیتالی‌شدن است؛ چراکه خطاهای فنی ممکن است به تحریف مفاهیم بینجامد. همچنین، خطر تقلیل مفاهیم عمیق دینی به داده‌های کمی و آماری وجود دارد.
 - ارائه‌کننده با اشاره به نمونه‌های موفق داخلی مانند: نرم‌افزارهای نور و پروژه‌های بین‌المللی مانند قرآن‌نت مالزی، بر ضرورت همکاری متخصصان دینی و فناوری برای ایجاد راهکارهای بومی تأکید می‌کند.
 - نتیجه این پژوهش، آن است که تحول دیجیتال، نه تنها امکان‌پذیر است، بلکه برای پاسخگویی به نیازهای پژوهشی معاصر در علوم اسلامی، ضروری می‌باشد.

این روش، با تحلیل داده‌های شبکه‌ای روابط استاد – شاگردی در منابع حدیثی و بهره‌گیری از ساختارهای گرافی، امکان تخمین دقیق‌تر زمان تولد و وفات راویان را فراهم می‌سازد. با اعمال مدل‌های احتمالاتی استخراج‌شده از داده‌های معتبر، میانگین خطای تخمین زمان وفات، ۸/۸ سال و خطای تخمین زمان تولد، ۱۳ سال محاسبه شده است که بیانگر دقت بالای این روش است

ارائه چهارم:

مقاله «نقش نرم‌افزارهای رایانه‌ای در بسترسازی پژوهش‌های فلسفی با تکیه بر معجم موضوعی فلسفه اسلامی»، تولیدشده توسط مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نوشته: حمیدرضا شیرملکی.

نویسنده در این پژوهش، به بررسی سه نقش کلیدی فناوری‌های دیجیتال در مطالعات فلسفه اسلامی پرداخته است:

نخستین نقش، سازماندهی و مدیریت سیستماتیک منابع فلسفی است که امکان دسترسی ساختاریافته به متون را فراهم می‌آورد.

دومین و مهم‌ترین نقش، تحلیل پیشرفته متون است که نمونه بارز آن، در «معجم موضوعی ملاصدرا» مشاهده می‌شود؛ جایی که جست‌وجوی مفهوم «اصالت وجود» از ۳۲۴۳۷ نتیجه، صرفاً لفظی به ۳۸۶ مورد مفهومی دقیق تقلیل یافته است.

سومین نقش، پشتیبانی از روش‌های کمی است که با برچسب‌گذاری دقیق مفاهیم، امکان تحلیل‌های آماری را مهیا می‌سازد.

در پایان، این پژوهش بر نقش حیاتی این نرم‌افزارها در تولید داده‌های باکیفیت برای آموزش سیستم‌های هوش مصنوعی تأکید می‌کند و خاطرنشان می‌نماید که هرچه داده‌های ورودی، ساختاریافته‌تر و دقیق‌تر باشند، خروجی‌های هوش مصنوعی نیز از دقت و اعتبار بیشتری برخوردار خواهند بود. پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که فناوری‌های دیجیتال، نه تنها ابزاری کمکی، بلکه تحوّلی اساسی در روش‌شناسی پژوهش‌های فلسفی اسلامی ایجاد کرده‌اند.

ارائه پنجم:

مقاله «واکاوی حجیت فتوای هوش مصنوعی»، نوشته: علی وکیلی.

نویسنده در این مقاله، با اشاره به رواج استفاده از هوش‌های مصنوعی برای پاسخ به سؤالات شرعی، به بررسی امکان حجیت فتوای صادره از این سیستم‌ها پرداخته است. در ابتدا تأکید می‌کند که هوش‌های مصنوعی فعلی، به دلایلی مانند محدودیت در دسترسی به منابع، وجود پیش‌داوری‌های انسانی و نقص در استدلال‌های فقهی، فاقد شرایط لازم برای صدور فتاوی معتبر هستند. سپس، این فرض مطرح می‌شود که اگر هوش مصنوعی کاملاً طراحی شود که به تمام منابع معتبر دسترسی داشته باشد، از

قدرت استدلال کامل برخوردار باشد و عاری از هرگونه پیش‌داوری باشد، آیا فتاوی آن می‌تواند حجّت شرعی داشته باشد؟

پژوهش حاضر که حاصل یازده ماه مطالعه و مشورت با اساتید است، به این نتیجه رسیده که از منظر فقهی و با بررسی ادله تقلید و شرایط مرجعیت، در هر دو مکتب اصولی (انسدادی و انفتاحی) می‌توان حجیت فتوای چنین هوش مصنوعی‌ای را اثبات کرد. در این صورت، مسئولیت فتوا بر عهده سازندگان سیستم خواهد بود؛ نه خود هوش مصنوعی. این پژوهش که در ابتداء به صورت مقاله‌ای ۲۰ صفحه‌ای ارائه شده، اکنون به کتابی حدود ۱۳۰ صفحه تبدیل شده و به‌زودی منتشر خواهد شد.

کارگروه تخصصی علوم اسلامی و انسانی دیجیتال و رشته‌های علمی

اعضای این کارگروه را حجج اسلام آقایان: دکتر سید حسن شبیری زنجانی، مسیح توحیدی وحدت و دکتر محمود شکراللهی، تشکیل می‌دادند.

این پژوهش بر نقش حیاتی این نرم‌افزارها در تولید داده‌های باکیفیت برای آموزش سیستم‌های هوش مصنوعی تأکید می‌کند و خاطرنشان می‌نماید که هرچه داده‌های ورودی، ساختاریافته‌تر و دقیق‌تر باشند، خروجی‌های هوش مصنوعی نیز از دقت و اعتبار بیشتری برخوردار خواهند بود. پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که فناوری‌های دیجیتال، نه تنها ابزاری کمکی، بلکه تحوّلی اساسی در روش‌شناسی پژوهش‌های فلسفی اسلامی ایجاد کرده‌اند



در این کارگروه، گزارش محتوای تعدادی از مقالات برگزیده همایش توسط نویسندگان آنها ارائه شد که به ترتیب، از نظر می‌گذرد.

ارائه اول:

مقاله «نقش فناوری‌های نوین اطلاعاتی در ایجاد زیرساخت‌های پیاده‌سازی توثیقات عام»، نوشته: منوچهر آقایی.

نویسنده با اشاره به دغدغه دیرینه خود در زمینه عملی‌سازی توثیقات عام در علم رجال، به

تأکید بر قاعده ضمان، نوشته: عبدالحجّت حق‌جو.

این پژوهش به تحلیل فقهی مسئولیت هوش مصنوعی در سه سطح: پیشگیری، درمان و بازتوانی پرداخته است. در چارچوب فقهی، دو قاعده کلیدی مورد بررسی قرار گرفته است: قاعده ضمان و قاعده عدم ضمان امین. قاعده ضمان، بر اساس آیات، روایات و اجماع فقها، هرگونه ضرررسانی به مسلمان را موجب ضمان دانسته است؛ درحالی‌که قاعده عدم ضمان امین، افراد امین را در صورت عدم تعدی و تقریط، از مسئولیت مبرا می‌داند.

در تطبیق این قواعد بر هوش مصنوعی، ابتدا ویژگی‌های اساسی هوش مصنوعی شامل استقلال عمل (autonomy) و توانایی ارائه بهینه‌ترین خروجی (optimal intensity) تبیین شده و سپس، سه سناریوی مختلف مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. **هوش مصنوعی به‌عنوان دستیار:** در این حالت که هوش مصنوعی صرفاً ابزاری در دست پزشک است، مسئولیت کاملاً متوجه پزشک یا اپراتور می‌باشد.

۲. **هوش مصنوعی خودمختار:** این سناریوی پیچیده، مسئله مسئولیت‌پذیری هوش مصنوعی را به چالش می‌کشد. از منظر فقهی و حقوقی، هوش مصنوعی، نه شخص حقیقی محسوب می‌شود و نه شخص حقوقی. با این حال، قانون تجارت الکترونیک ایران (۱۳۸۲) تعریف سومی تحت عنوان «ابزارهای مبتنی بر رایانه» ارائه کرده که می‌تواند مبنایی برای مسئولیت‌پذیری هوش مصنوعی باشد.

۳. **راهکارهای پیشنهادی:** برخی محققان طراحی دو گونه

تشریح روش‌های نوین پردازش خودکار این توثیقات پرداخته است. در ابتدا تفاوت میان توثیقات خاص (مربوط به افراد) و توثیقات عام (قواعد کلی درباره گروهی از راویان) توضیح داده شده و تأکید می‌کند که از میان ۵۲ مورد توثیق عام شناسایی‌شده، حدود ۱۰ مورد از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

مهم‌ترین چالش در این مسیر، استخراج دقیق روابط شیخ و شاگردی از اسناد روایی بوده است که اساس بیشتر توثیقات عام را تشکیل می‌دهد. برای حل این مشکل، پژوهشگران با استفاده از نرم‌افزار تخصصی «درایة النور» تولیدشده در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، مراحل پیشرفته‌ای را طراحی کردند. ابتداء هویت سند از متن تفکیک شد و سپس، اسناد ویژه مانند اسناد ذیلی و اشاره‌ای، شناسایی و کدگذاری گردید. در مرحله بعد، اجزای مختلف هر سند شامل: راویان، تعبیر واسطه و کل سند به‌دقت تفکیک و استانداردسازی شدند.

در حال حاضر، تیم پژوهشی، در حال توسعه الگوریتم‌های پیشرفته‌تری برای شناسایی خودکار مشکلاتی مانند: تردیدها، تصحیفات، تعلیقات و حیلولة‌ها در اسناد است. این پیشرفت‌ها می‌تواند تحوّل اساسی در پژوهش‌های رجالی و حدیثی ایجاد کند و دقت و سرعت تحقیقات در این حوزه را به میزان قابل توجهی افزایش دهد.

ارائه دوم:

مقاله «چارچوب فقهی کاربرد هوش مصنوعی در سلامت با

هوش مصنوعی مسئولیت‌پذیر را پیشنهاد کرده‌اند: یکی، عامل با مسئولیت‌پذیری پیش‌بینی‌شده و دیگری، عامل دارای مکانیسم خودنظارتی مسئولیت‌پذیر.

این پژوهش، نشان می‌دهد که با توسعه فناوری‌های هوش مصنوعی خودمختار، ضرورت بازنگری در مفاهیم فقهی و حقوقی مربوط به مسئولیت، بیش از پیش احساس می‌شود. اگرچه در حال حاضر هوش مصنوعی به عنوان دستیار پزشک مسئولیت‌پذیر نیست، اما با ظهور سیستم‌های خودمختار، نیاز به تدوین چارچوب‌های فقهی و حقوقی جدید برای تعیین مسئولیت اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

ارائه سوم:

مقاله «از فاصله طبقاتی تا پیوستار: روشی نوین برای تحلیل‌های

مهم‌ترین چالش در این مسیر، استخراج دقیق روابط شیخ و

شاگردی از اسناد روایی بوده است

که اساس بیشتر توثیقات عام را تشکیل

می‌دهد. برای حل این مشکل،

پژوهشگران با استفاده از نرم‌افزار

تخصصی «درایة النور» تولیدشده

در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم

اسلامی، مراحل پیشرفته‌ای را طراحی

کردند. ابتداء هویت سند از متن

تفکیک شد و سپس، اسناد ویژه مانند

اسناد ذیلی و اشاره‌ای، شناسایی و

کدگذاری گردید. در مرحله بعد،

اجزای مختلف هر سند شامل: راویان،

تعابیر واسطه و کل سند به دقت

تفکیک و استانداردسازی شدند

زمانی راویان حدیث»، نوشته: هادی زعفرانی و علیرضا شهبازی. تعیین دقیق زمان زندگانی راویان حدیث، به‌ویژه سال‌های تولّد و وفات آنان، در مطالعات تاریخی و حدیثی، از اهمیت بالایی برخوردار است. بررسی اتصال سند، تحلیل روایات در بستر تاریخی و شناخت سیر تطور موضوعات حدیثی، از جمله کاربردهای تحلیل‌های زمانی راویان به شمار می‌رود. پژوهش حاضر، با هدف ارتقاء دقت و کارایی روش‌های سنتی، روشی نوین برای تخمین زمان زندگی راویان بر پایه مفهوم «فاصله طبقاتی پیوستار» ارائه می‌دهد. این روش، با تحلیل داده‌های شبکه‌ای روابط استاد - شاگردی در منابع حدیثی و بهره‌گیری از ساختارهای گراف، امکان تخمین دقیق‌تر زمان تولّد و وفات راویان را فراهم می‌سازد. با اعمال مدل‌های احتمالاتی استخراج‌شده از داده‌های معتبر، میانگین خطای تخمین زمان وفات، ۸/۸ سال و خطای تخمین زمان تولّد، ۱۳ سال محاسبه شده است که بیانگر دقت بالای این روش است. افزون بر محاسبه زمان تولّد و وفات، ترسیم نمودار زندگی راویان و محاسبه اختلاف سنی میان طبقات رجالی نیز از دیگر دستاوردهای این پژوهش محسوب می‌شود. این مطالعه، گامی نو در بهره‌گیری از روش‌های کمی و تحلیل داده‌محور در مطالعات حدیثی به شمار می‌آید و می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد در اختیار پژوهشگران علم رجال و تاریخ اسلام قرار گیرد.

ارائه چهارم:

مقاله «اثار، نتایج و فواید نظری و عملی علوم اسلامی و انسانی دیجیتال در پژوهش‌های فقهی و اصولی»، نوشته: شاهین سپهری.

این پژوهش، به بررسی نقش تحوّل‌آفرین هوش مصنوعی در روش‌شناسی پژوهش‌های فقهی پرداخته است. ارائه‌کننده با تشریح تحوّل از جست‌وجوی واژگانی به جست‌وجوی معنایی، نشان داده است که هوش مصنوعی امروزه امکان کشف الگوهای پنهان، تحلیل سیر تحوّل مفاهیم و ترسیم شبکه‌های فکری فقها را فراهم کرده است. این تحوّل پارادایمی، روش‌های تحقیق فقهی را با امکانات جدیدی مانند پردازش زبان طبیعی و تحلیل‌های چندبعدی، متحوّل ساخته است.

در کنار این مزایای چشمگیر، چالش‌های جدی نیز مطرح شده است؛ مواردی مانند:

سوگیری‌های الگوریتمی که ممکن است به انحراف در استنباط‌های فقهی بینجامد، تهدید تنوع اجتهادی و کاهش خلاقیت پژوهشگران، ابهام در حجیت شرعی نظریه‌های ماشینی،

چالش‌های حفظ حریم خصوصی و مالکیت فکری.

نگرانی‌های محوری این پژوهش، عبارت‌اند از:

تهدید سازمان فقاقت به عنوان نهادی مبتنی بر معنویت و تربیت علمی، خطر دستکاری داده‌ها توسط جریان‌های مغرض، تربیت پژوهشگران سطحی‌نگر که از عمق مباحث فقهی فاصله می‌گیرند.

ارائه پنجم:

مقاله «توسعه و تعمیق پژوهش‌های حقوق اسلامی با فناوری‌های نوین»، نوشته: میثم خداوردیان.

این پژوهش، به بررسی نقش تحوّل‌ساز فناوری‌های نوین در حوزه‌های فقهی و حقوقی پرداخته است. در مواجهه با چالش‌های نوظهوری مانند: جرایم سایبری، قراردادهای هوشمند و مسائل متاورس، هوش مصنوعی و پردازش زبان طبیعی امکانات بی‌سابقه‌ای برای تحلیل عمیق متون فقهی و استنباط احکام فراهم کرده‌اند. از یک سو، این فناوری‌ها دسترسی به منابع را تسهیل کرده، امکان استناد به ادله دیجیتال در محاکم را ممکن ساخته و فرآیندهای قضایی مانند داورى آنلاین را تسريع بخشیده‌اند و از سوى دیگر، مسائل جدیدی مانند خلأهای قانونی در مواجهه با

دیپ‌فیک، چالش‌های امنیت داده‌ها و نیاز به بازنگری در برخی قواعد سنتی فقهی را پیش رو نهاده‌اند. تجربه عملی پژوهشگر در طراحی سیستم شناسایی آیات مشابه قرآن، نشان می‌دهد که فناوری می‌تواند دقت و سرعت پژوهش‌ها را به شکل چشمگیری افزایش دهد.

برای بهره‌گیری کامل از این ظرفیت‌ها، نیازمند تعاملی نظام‌مند بین فقها، حقوق‌دانان و متخصصان فناوری اطلاعات هستیم. توسعه چارچوب‌های قانونی متناسب، ایجاد سیستم‌های بومی پردازش متون اسلامی و آموزش تخصصی جامعه حقوقی، از جمله راهکارهای پیش‌روست. آینده پژوهش‌های اسلامی، در گرو ترکیب هوشمندانه سنت‌های اصیل فقهی با امکانات نوین فناوری خواهد بود؛ به شرط آنکه بتوانیم به چالش‌های پیش‌رو، از جمله تعیین مسئولیت در سیستم‌های هوش مصنوعی و حفظ امنیت داده‌ها، پاسخی درخور دهیم. این مسیر، نیازمند همکاری گسترده نهادهای علمی، فقهی و فناوری است تا بتوان از ظرفیت‌های تحوّل‌آفرین این فناوری‌ها در خدمت توسعه علوم اسلامی بهره برد.

کارگروه تخصصی هوش مصنوعی و علوم اسلامی و انسانی دیجیتال

اعضای این کارگروه را آقایان: دکتر امیر جلالی بیگدلی، کاظم فولادی قلعه و علی طائی‌زاده، تشکیل دادند. در این کارگروه نیز گزارش محتوای تعدادی از مقالات برگزیده همایش توسط نویسندگان آنها ارائه شد که به ترتیب از نظر می‌گذرد.

ارائه اول:

مقاله «معرفی یک الگوی عمومی برای به‌کارگیری هوش مصنوعی در تحوّل علوم انسانی»، نوشته: کاظم فولادی قلعه.

هوش مصنوعی، مجموعه‌ای قدرتمند از ابزارها و روش‌ها را برای تجزیه و تحلیل حجم وسیعی از داده‌ها، کشف الگوهای پنهان و ایجاد دیدگاه‌های جدید ارائه می‌دهد که همگی این موارد، برای توسعه علوم انسانی و اجتماعی، یک فرصت تازه و جذاب ایجاد کرده است. در این مقاله، یک الگوی عمومی برای به‌کارگیری هوش مصنوعی در تحوّل علوم انسانی ارائه شده است. در این الگو، هوش مصنوعی از سه طریق می‌تواند در علوم انسانی تحوّل ایجاد کند:

اول: به‌عنوان موضوعی برای ایجاد و توسعه شاخه‌های جدید در علوم انسانی (موضوع علم)؛

دوم: به‌عنوان ابزاری در روش‌شناسی علم در فرآیندهای پژوهش و آموزش (روش علم)؛

هوش مصنوعی، مجموعه‌ای قدرتمند از ابزارها و روش‌ها را برای تجزیه و تحلیل حجم وسیعی از داده‌ها، کشف الگوهای پنهان و ایجاد دیدگاه‌های جدید ارائه می‌دهد که همگی این موارد، برای توسعه علوم انسانی و اجتماعی، یک فرصت تازه و جذاب ایجاد کرده است. در این مقاله، یک الگوی عمومی برای به‌کارگیری هوش مصنوعی در تحوّل علوم انسانی ارائه شده است



که می‌توانند به‌عنوان مرجعی برای حکمرانی هوش مصنوعی در حوزه علوم اسلامی دیجیتال مورد استفاده قرار گیرند. این پژوهش با رویکردی توصیفی - تحلیلی، ابتداء به استخراج اصول و ارزش‌های مرتبط با موضوع از آیات قرآن کریم و منابع تفسیری معتبر پرداخته است. سپس، با بررسی ادبیات موجود در حوزه حکمرانی بر فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی، چالش‌های موجود در این حوزه شناسایی شده‌اند. در نهایت، با تلفیق یافته‌های این دو مرحله، الگویی نوین برای حکمرانی هوش مصنوعی مبتنی بر مبانی قرآنی ارائه شده است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اصولی چون: عدالت، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، حفظ کرامت انسانی و تعادل در استفاده از فناوری‌ها، از جمله الزامات کلیدی در این زمینه هستند. همچنین، این مطالعه به بررسی چالش‌هایی همچون: سوء استفاده از هوش مصنوعی، نقض حریم خصوصی و تهدید استقلال انسانی پرداخته و پیشنهاداتی عملی برای سیاست‌گذاری‌های همسو با اصول اسلامی ارائه می‌دهد. این پژوهش می‌تواند به‌عنوان پایه‌ای برای توسعه علوم اسلامی دیجیتال و تدوین دستورعمل‌های کاربردی در راستای بهره‌گیری از هوش مصنوعی با رویکرد قرآنی، مورد استفاده قرار گیرد.

ارائه سوم:

مقاله «تحلیل مقایسه‌ای ترجمه‌های فارسی قرآن مبتنی بر

سوم: به‌عنوان وسیله‌ای برای تحقق اهداف آن علم در جامعه و بهره‌برداری مؤثر از آن (کاربست علم).

با پیشرفت هوش مصنوعی، می‌توانیم انتظار نوآوری‌های بیشتری در کاربردهای این علم در حوزه علوم انسانی و اجتماعی داشته باشیم. تقویت همکاری بین توسعه‌دهندگان هوش مصنوعی و محققان علوم انسانی و اجتماعی برای به حداکثر رساندن ظرفیت‌های این فضای جدید و هیجان‌انگیز، ضروری خواهد بود.

ارائه دوم:

مقاله «راهکارهای حکمرانی بر هوش مصنوعی در بستر علوم اسلامی دیجیتال: اصول و الزامات قرآنی»، نوشته: محمدمهدی کریمی‌نیا.

این مقاله، به بررسی راهکارهای حکمرانی بر هوش مصنوعی در بستر علوم اسلامی دیجیتال پرداخته و با تأکید بر اصول و الزامات قرآنی، چارچوبی جامع برای سیاست‌گذاری و هدایت این فناوری ارائه می‌دهد. با توجه به تحولات گسترده عصر دیجیتال و نقش فزاینده هوش مصنوعی در شکل‌دهی به جوامع انسانی، ضرورت تدوین الگوهای نظری و عملی مبتنی بر ارزش‌های دینی و اخلاقی، بیش از پیش احساس می‌شود.

مسئله اصلی این پژوهش، شناسایی اصول کلیدی قرآنی است



**تعیین دقیق زمان زندگانی
راویان حدیث، به‌ویژه سال‌های
تولد و وفات آنان، در مطالعات
تاریخی و حدیثی، از اهمیت
بالایی برخوردار است. بررسی
اتصال سند، تحلیل روایات در
بستر تاریخی و شناخت سیر تطور
موضوعات حدیثی، از جمله
کاربردهای تحلیل‌های زمانی
راویان به شمار می‌رود. پژوهش
حاضر، با هدف ارتقاء دقت و
کارایی روش‌های سنتی، روشی
نوین برای تخمین زمان زندگی
راویان بر پایه مفهوم «فاصله
طبقاتی پیوستار» ارائه می‌دهد**



معادل آن از قرآن کریم، ترازبندی شدند. خروجی این پژوهش، در نرم‌افزار جامع التفاسیر ۴ نور ارائه شد. بدین ترتیب، بستر مناسبی برای انجام تحلیل‌های مختلف بر روی ترجمه‌ها فراهم آمد. سه نوع تحلیل انجام‌شده عبارت‌اند از: بررسی میزان وفاداری هریک از مترجمان به متن قرآن کریم، شناسایی میزان تنوع نظر مترجمان به‌ازای هریک از کلمات قرآنی و همچنین بررسی میزان شباهت ترجمه‌ها به یکدیگر.

ارائه چهارم:

مقاله «چالش‌ها و فرصت‌های حکمرانی هوشمند در جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر علوم انسانی دیجیتال»، نوشته: علی مرادی بهمنی.

تحولات پُرشتاب فناوری و گسترش روزافزون کاربردهای علوم انسانی دیجیتال، الگوهای حکمرانی را در سطح جهانی دستخوش دگرگونی کرده است. در جمهوری اسلامی ایران، با وجود برخورداری از ظرفیت‌های فنی و زیرساختی، بهره‌گیری نظام‌مند از این فناوری‌ها در مسیر تحقق حکمرانی هوشمند، همچنان با چالش‌ها و محدودیت‌هایی مواجه است. مسئله اصلی این پژوهش، شناسایی موانع و فرصت‌های پیش روی پیاده‌سازی حکمرانی هوشمند در ایران، با تأکید بر ظرفیت‌های علوم انسانی دیجیتال و انطباق آن با مبانی دینی و قانونی نظام است.

هدف پژوهش، ارائه تحلیلی جامع از وضعیت موجود و پیشنهاد راهکارهایی برای ارتقای کارآمدی حکمرانی در بستر دیجیتال است. این مطالعه، با رویکردی کیفی و مبتنی بر روش توصیفی - تبیینی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که عواملی چون: کمبود نیروی انسانی متخصص، ضعف در چارچوب‌های قانونی و تنظیم‌گری و مقاومت‌های فرهنگی و سازمانی، مانع بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های دیجیتال شده‌اند. در مقابل، فرصت‌هایی نظیر: ارتقای شفافیت، افزایش مشارکت عمومی و هم‌افزایی میان علوم اسلامی و داده‌کاوی اجتماعی، زمینه‌ساز گذار به حکمرانی هوشمند هستند. نتیجه‌گیری پژوهش، حاکی از آن است که تحقق حکمرانی هوشمند در ایران، مستلزم اتخاذ رویکردی تلفیقی است؛ رویکردی که بر زیرساخت‌های فنی، تحول نهادی و بازنگری سیاستی در چارچوب ارزش‌های اسلامی استوار باشد.

ترازبندی خودکار کلمات»، نوشته: مجید لسانی و احمد ربیعی‌نیا. در این پژوهش، چارچوبی برای ترازبندی ماشینی کلمات قرآن و ترجمه‌های فارسی آن مبتنی بر روش‌های پردازش زبان طبیعی پیشنهاد شده است. فهم دقیق معنای آیات قرآن کریم از دوران صدر اسلام تا کنون، از جمله دغدغه‌های اصلی مسلمانان و همچنین غیرمسلمانان کنجکاو به اسلام بوده است. برای این منظور، با توجه به عربی‌بودن قرآن کریم، نزدیک‌ترین راه برای افراد ناآشنا به زبان عربی، بهره‌گیری از ترجمه‌های قرآن کریم است. بخش بسیاری از مسلمانان، فارسی‌زبان هستند و به همین دلیل، ترجمه‌های فراوانی از قرآن کریم به این زبان در دسترس است. تحلیل کیفی این ترجمه‌ها به‌صورت سیستماتیک، فرایندی بسیار پرهزینه و زمان‌بر است.

در این پژوهش، با بررسی ۸۸ ترجمه فارسی قرآن کریم از قرن چهارم قمری تا قرن حاضر، کلمات هریک از ترجمه‌ها به کلمه



تحولات پرشتاب فناوری و گسترش روزافزون کاربردهای علوم انسانی دیجیتال، الگوهای حکمرانی را در سطح جهانی دستخوش دگرگونی کرده است. در جمهوری اسلامی ایران، با وجود برخورداری از ظرفیت‌های فنی و زیرساختی، بهره‌گیری نظام‌مند از این فناوری‌ها در مسیر تحقق حکمرانی هوشمند، همچنان با چالش‌ها و محدودیت‌هایی مواجه است. مسئله اصلی این پژوهش، شناسایی موانع و فرصت‌های پیش روی پیاده‌سازی حکمرانی هوشمند در ایران، با تأکید بر ظرفیت‌های علوم انسانی دیجیتال و انطباق آن با مبانی دینی و قانونی نظام است



ارائه پنجم:

این دستاوردها، بیانگر توانمندی سامانه‌های خودکار به‌عنوان ابزار کمکی برای پژوهشگران علوم قرآنی است. با این حال، محدودیت‌هایی همچون وابستگی به داده‌های برچسب‌خورده و پایین بودن تفسیرپذیری مدل‌ها، همچنان باقی است. در مجموع، ترکیب دانش علوم رایانه و علوم قرآنی در قالب سامانه‌ای خودکار برای طبقه‌بندی موضوعی آیات، می‌تواند روشی کارآمد و مکمل برای روش‌های سنتی تفسیری و فهرست‌نگاری فراهم آورد و مسیر جدیدی را برای پژوهش‌های قرآنی در عصر دیجیتال هموار سازد. ■

مقاله «سامانه خودکار طبقه‌بندی موضوعی آیات قرآن با استفاده از یادگیری ماشین و یادگیری عمیق»، نوشته: محسن خوش‌فر و محمدرسلول رحیمی و محمدامین غیابی زارع.

طبقه‌بندی موضوعی آیات قرآن کریم به‌صورت دستی، فرآیندی زمان‌بر و پیچیده است؛ به‌ویژه با توجه به چندموضوعی بودن بسیاری از آیات، نیاز به روشی خودکار و کارآمد برای سازمان‌دهی محتوای قرآن بر اساس موضوعات، بیش از پیش احساس می‌شود.

پرسش اصلی این پژوهش، آن است که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از فنون یادگیری ماشین (ML) و یادگیری عمیق (DL)، سامانه‌ای خودکار برای تعیین موضوع یا موضوعات هر آیه ارائه داد.

روش تحقیق این مطالعه، توصیفی - تحلیلی است. ابتداء مفاهیم کلیدی و پیشینه مرتبط بررسی شده و سپس، رویکردهای مختلف ML و DL در زمینه طبقه‌بندی موضوعی آیات تحلیل می‌گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد که الگوریتم‌های کلاسیک، مانند بیز ساده و ماشین بردار پشتیبان، نتایج قابل قبولی ارائه کرده‌اند؛ اما با توجه به چندبرچسبی بودن بیش از نیمی از آیات، استفاده از مدل‌های چندبرچسبی ضروری است. بهره‌گیری از شبکه‌های عصبی پیچشی (CNN) و ترنسفورمرها، موجب افزایش چشمگیر دقت طبقه‌بندی شده و پژوهش‌های اخیر، دقتی بالاتر از ۹۰ درصد را گزارش کرده‌اند.